

فعل در زبان هرزنی

صیغه‌های مشتق از ریشه مصدر

ماضی مطلق

ساختمان ماضی مطلق در زبان هرزنی بر حسب نوع مصدر دو قسم است :

۱- افعال لازم که در آنها با افزودن لاحقه صرفی با آخر ریشه ماضی افعال، ماضی

مطلق درست میشود :

الف - ریشه ماضی در افعال لازم عبارتست از «مصدر» با حذف علامت مصدری

«e» از آخر آن. مثلاً ریشه مصدر لازم زیر قسمتی است که با حروف بزرگ آوانویسی

شده است :

BER-e; ÄMÄR-e; ŠER-e; MET-e; RIYİSD-e; SISD-e; BƏRİSD-e;
LEVESD-e; GENESD-e; VASD-e; BEYİŠD-e; ÖCÖRÖSD-e

ب- لاحقه‌های صرفی (-ساوندهای فعلی = désinences) ماضی مطلق در

سه شخص مفرد و جمع در افعال لازم چنین است :

اول شخص مفرد	-in	اول شخص جمع	-um
دوم » »	-i	دوم » »	-ur
سوم » »	-a, -â	سوم » »	-ut

مثال :

BER-in	شدم	BER-um	شدیم
BER-i	شدی	BER-ur	شدید
BER-a (ÄMÄR-â)	شد	BƏR-ut	شدند

۲- افعال متعدی که در آنها نیز باید پساوند فعلی با خرریشه ماضی افزوده شود :

الف - ریشه ماضی در افعال متعدی عبارتست از :

1- «مصدر» با حذف علامت مصدری «-de» در مصادر مختوم به «-de» مثل

BĒS-de; SES-de; KOR-de; HOR-de

2- «مصدر» با حذف علامت مصدری «-e» در دیگر مصادر از قبیل ÖT-e

ÜVÜT-e; ÜMÜT-e(۱); BĒR-e(۱); DÖR-e; RET-e; ESBIR-e; YAR-e; SÜT-e;

(۲) NÖR-e;

ب- پساوندهای فعلی ماضی مطلق در سه شخص مفرد و جمع، در افعال متعدی

چنین است :

۱- در افعالی مثل ümüte که هم معنی لازم و هم مفهوم متعدی دارد صرف لازم با متعدی

اختلاف ندارد یعنی صرف لازم تحت تأثیر متعدی از بین رفته است :

ümütma = آموختم (یاد دادم)

« = آموختم (یاد گرفتم) «

ümütjunâ = آموختند (یاد دادند)

« = آموختند (یاد گرفتند) «

فعل BĒRE (بریدن) در ماضی مطلق بر خلاف قاعده صرف میشود :

BĒRĒR-munâ (بریدیم) میگویند :

BĒRĒR-junâ (بریدند) میگویند :

ظاهراً این تغییر برای گوشنوازی (euphonie) پیش آمده است .

۲- علامت مصدر در زبان هرزنی «-E» است و اگر در ضمن بحث راجع بقاعده ساختمان

افعال (ماضی مطلق و زمان حال) ریشه فعل گاهی با حذف «-e» و گاهی «-de» از آخر مصدر نشان

داده شده فقط برای سهولت توجیه قاعده کلی است. مثلاً اینکه در ماضی مطلق متعدی، ریشه فعل

در افعال مختوم به «-de» با حذف «-de» از آخر مصدر و در دیگر مصادر فقط با حذف «-e» بدست

میآید علت فونتمیک دارد یعنی چون در مصادر مختوم به «-de» قبل از d همیشه «کنسون» میآید

ولی در مصادر مختوم به «-te» و «-re» قبل از r و t «کنسون» نمیآید افزودن پساوندهای فعلی

ماضی مطلق متعدی (ma, la, ja,....) که خود با «کنسون» آغاز میشوند با آخر افعال مختوم به

«-de» بدون حذف d ممکن نیست و بسیار ثقیل و ناگوشنواز خواهد شد مثلاً اگر d حذف نشود

ماضی مطلق از HORD-e خواهد شد. *HORD-mâ که بعلمت اجتماع سه کنسون (=RDM) کلمه

بسیار سنگین و تلفظ آن مشکل است و از اینرو با حذف d شده است : HOR-mâ ; در حالیکه در

افعال مختوم به «-re» و «-te» این اشکال وجود ندارد و در نتیجه r و t بر جای میماند :

. YAR-ma ; ÖT-ma

اول شخص مفرد	-ma, -mâ	اول شخص جمع	-munâ
» » دوم	-la, -lâ	» » دوم	-lunâ
» » سوم	-ja, -jâ	» » سوم	-junâ

در صورتیکه حرف آخر ریشهٔ ماضی در این قبیل افعال قریب‌المخرج به «L»

باشد، در دوم شخص مفرد و جمع تبدیل به «L» میشود.

مثال :

ÖT-ma	ÖT-munâ
ÖT-la	ÖT-lunâ
ÖT-ja	ÖT-junâ
HOR-mâ	HOR-munâ
HOL-lâ	HOL-lunâ
HOR-jâ	HOR-junâ
YAR-ma	YAR-munâ
YAL-la	YAL-lunâ
YAR-ja	YAR-junâ

بطوریکه در ماضی مطلق می‌بینیم دو قسم لاحق و پساوند فعلی بر حسب لازم و متعدی بودن (transitif ; intransitif) فعل داریم که استاد و. ب. هنینگ نیز متوجه آن بوده است (1).

پساوندهای صرفی ماضی مطلق در افعال متعدی یعنی -ma ، -la ، (-ra=) ، -ja ، (-ya=) ، -munâ ، -lunâ ، -junâ در حقیقت همان ضمائر ملکی است که بصورت لاحق صرفی (پساوند فعلی) در آخر ریشهٔ فعل آمده و بین ماضی مطلق فعل متعدی و ماضی مطلق فعل لازم که تقریباً مثل زبان فارسی جدید (گفتم، گفتمی... الخ) صرف

1- W. B. HENNING – The Ancient Language of Azerbaijan
(Transactions of the Philological Society, 1954, p. 170).

میشود (در زبان فارسی جدید بین لازم و متعدی ماضی مطلق اختلاف و تفاوتی وجود ندارد) اختلاف بوجود آورده است.

برای اینکه کیفیت استعمال ضمائر متصل ملکی بصورت لاحق صرفی ماضی مطلق در افعال متعدی کاملاً روشن بشود توجه به «لیست» ضمائر که در زیر می‌دهیم لازم است:

Keteb-EM	کتابم	havö-M	هوایم
Keteb-ER	کتابت	havö-R	هوایت
Keteb-EY	کتابش	havö-Y	هوایش
Keteb-MUN	کتابمان	havö-MUN (۱)	هوایمان
Keteb-LUN	کتابتان	havö-RUN (۱)	هوایتان
Keteb-JUN	کتابشان	havö-y-JUN	هوایشان

بامقایسه ضمائر مذکور در بالا با پساوندهای فعلی مورد بحث تردیدی در صحت نظری که گذشت باقی نمی‌ماند:

ضمائر متصل ملکی	پساوندهای فعلی
-eM=M	-Ma
-eR=R	-La (=Ra)
-eY=Y	-Ja (=Ya)
MUN	-MUNâ
LUN RUN	-LUNâ
JUN	-JUNâ

مقایسه شود اختلاف صرف ماضی مطلق در افعال لازم و متعدی با فرق بین لازم و متعدی در فارسی میانه (پیلوی).

زمان حال اخباری

پیش از بحث در باره قاعده ساختمان زمان حال اخباری توجه بامثله زیر لازم است:

۱- havö y-MUN و havö y-LUN نیز صحیح است.

1

BĒSde = BĒS-nen (می بندم); -ne; -na; -nom; -nor; -not .

HÖŠde = HÖŠ-nen (دوست میدارم);

NAVESde = NAVES-nen (میجویم، میخواهم);

NEVEŠde = NEVEŠ-nen;

CELESde = CELES-nen;

ZUNESde = ZUNES-nen;

2

ÖTe = ÖT-den; -de; -da; -dom; -dor; -dot .

METe = MET-den;

BEre = BE-nden; -nde; -nda; -ndom; -ndor; -ndut .

ŠEre = ŠE-nden; -nde; -nda; -ndom; -ndor; -ndut .

DÖre = DÖ-nden;

ĂMĂre = ĂMĂ-nden; -nde; -nda; -ndum; -ndur; -ndut .

3

HOre = HO-nden;

KORde = KO-nd^ən; -nde; -nda; (١); -ndot .

برای ساختن زمان حال اخباری، با توجه به امثله مذکور در بالا، پساوندهای

فعلی با آخر ریشه فعل افزوده میشود و برای بدست آوردن ریشه فعل باید «E-» یا

«DE» از آخر مصدر حذف شود:

۱- اگر بعد از حذف «e-» از آخر مصدر حرف ماقبل آن حرف غیر مصوتی

(Consonne)، غیر از «R»، باشد پساوندهای فعلی (لاحقدهای صرفی زمان حال) زیر

در آخر ریشه فعل میآید:

-den, -de, -da, -dom, -dor, -dot.

و اگر حرف ماقبل آن «R» باشد حرف «R» تبدیل به «N» میشود.

۲- اگر بعد از حذف علامت مصدر «de-» حرف ماقبل آن «R» باشد، «R»

۱- گاهی در ضمن محاوره kondara (میکند) بکار برند:

راوی روایت میکند = rāvi rivāyat kondara در حالیکه طبق قاعده باید

konda باشد. ظاهراً ra- در آخر صیغه زائد است و شاید ایجاب فونتیکی و گوشنوازی آنرا

بوجود آورده است چنانکه گاهی ötja (گفت) را نیز ötja-ra گویند.

تبدیل به «N» میشود و در آخر آن پساوندهای زمان حال طبق حالت اول (-den, -de, ...) میآید، و اگر حرف ماقبل علامت مصدر حرف غیر مصوت دیگر باشد این لواحق بآخرش می‌چسبند:

(۱) -nen, -ne, -na, -nom, -nor, -not

ماضی استمراری

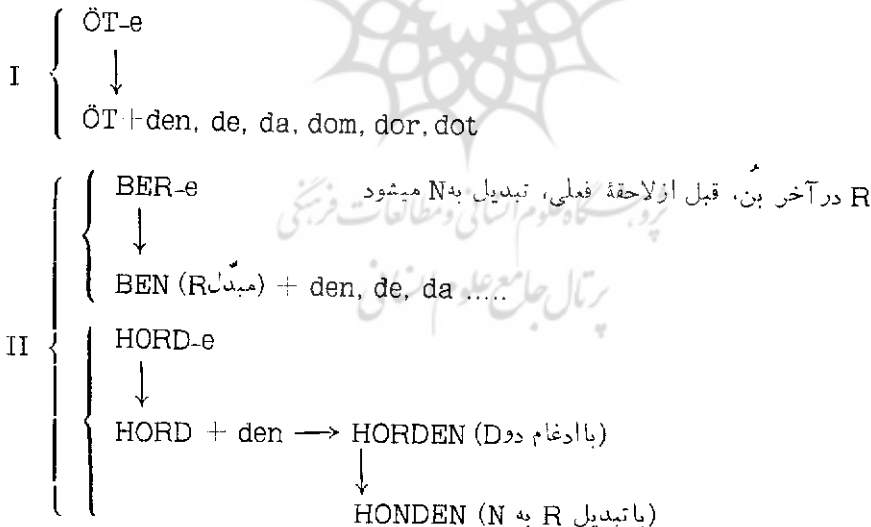
پیش از بحث درباره ماضی استمراری اشاره باین نکته لازم است که در زبان

۱- درباره ساختمان «زمان حال اخباری» میتوان قاعده علمی تر ساده و عامی استخراج کرد باین ترتیب:

لاحقه فعلی (désinences) برای زمان حال اخباری عبارتست از:

-den, -de, -da, -dom, -dor, -dot

اساس بدست آوردن ریشه فعل حذف «e» از آخر مصدر است. طبق این قاعده در چهار مثال که نماینده انواع سه گانه میباشد چنین عمل میشود:



III { $\text{BESD-e} \prec \text{BESD} + \text{den} \prec \text{BESDEN (D باادغام دو)}$
 $\text{BESDEN} \prec \text{BESNEN}$ (تأثیر آنالوژی و برای عدم اشتباه با مصدر)
 «نظر دوست دانشمند آقای دکتر ماهیار نوابی»

این قاعده علمی تر است ولی قاعده دیگری که در بالا ذکر شد از لحاظ ظاهر دستور زبان هرزنی جامعتر میباشد و در حقیقت این نظر توجیه علمی قاعده ساده مذکور بشمار میرود.

هرزنی فعل BERE فعل معین (Auxiliaire) محسوب میشود. این فعل «شدن» معنی میدهد (از نظر اتمولوژی «بودن») و معادل آذربایجانی olmâx است.

ماضی استمراری از مصدر bəsde (بستن) چنین است :

man BĒS-ne berin	من می‌بستم
te BĒS-ne beri	تو می‌بستی
a BĒS-na bera	او می‌بست
âmâ BĒS-ne berum	ما می‌بستیم
šema BĒS-ne berur	شما می‌بستید
âvoy BĒS-ne berut	ایشان می‌بستند

ماضی استمراری از فعل معین BERE چنین است :

BE-nde berin	می‌شدم	BE-nde berum	می‌شدیم
BE-nde beri	می‌شدی	BE-nde berur	می‌شدید
BE-nda bera	می‌شد	BE-nde berut	می‌شدند

برای روشن شدن انواع ماضی استمراری در زبان هرزنی چند مثال ذکر

می‌کنیم :

BĒSDE	→	BĒS + ne (na (در سوم شخص مفرد	+ BERE (فعل مطلق	ماضی
BERE	→	BE + nde (nda (در سوم شخص مفرد	+ »	»
ÖTE	→	ÖT + de (da (در سوم شخص مفرد	+ »	» (۱)
ĂMĂRE	→	ĂMĂ + { ndâ (nda (در سوم شخص مفرد	+ »	»
		nde		
ŠERE	→	ŠE + nde (nda (در سوم شخص مفرد	+ »	»
HORDE	→	HO + nde (nda (در سوم شخص مفرد	+ »	»
DEESDE	→	DEES + ne (na (در سوم شخص مفرد	+ »	»
YARE	→	YA + nde (nda (در سوم شخص مفرد	+ »	»
KORDE	→	KO + nde (nda (در سوم شخص مفرد	+ »	»
VINDE	→	VIN + ne (na (در سوم شخص مفرد	+ »	»
HUNDE	→	HUN + ne (na (در سوم شخص مفرد	+ »	»

۱- سوم شخص مفرد ماضی استمراری از öte طبق این قاعده ÖTDA bera است ولی گاهی ÖTNA bera؛ استعمال شده است که برخلاف قاعده و از استعمالات اشتباهی اهل زبان است. در مورد ماضی مطلق از همین فعل نیز بجای ötja گاهی برخلاف قاعده ötna؛ بکار می‌برند.

قاعده ساختن ماضی استمراری

لاحقه صرفی که در ماضی استمراری، با آخر ریشه فعل اضافه میشود معادل لاحقه مخصوص دوم شخص مفرد زمان حال (-ne و -de) است برای تمام اشخاص، جز سوم شخص مفرد که لاحقه صرفی آن مطابق سوم شخص مفرد زمان حال -na و -da میباشد و تشخیص موارد استعمال هر یک از دو گروه لاحقه صرفی -ne و -de عیناً مثل زمان حال است :

ماضی مطلق فعل BERE + لاحقه صرفی + (با حذف E و DE از آخر مصدر) ریشه فعل
گاهی لاحقه صرفی «-de» تحت تأثیر قواعد فونتیکی تبدیل به «-dâ» میشود
مثل ماضی استمراری از *âmâre* که بجای «*âmânde ...*» گاهی بصورت «*âmândâ ...*»
بکار میرود، یا سوم شخص مفرد ماضی استمراری از فعل *korde* که بجای «*konda bera*»
بصورت «*kondâ ...*» استعمال میشود :

۱- در مورد ماضی استمراری نیز توجیه راجع به مضارع اخباری قابل قبول است یعنی لاحقه صرفی که با آخر ریشه میآید (-da) -de- میباشد و اساس بدست آوردن ریشه فعل حذف «e» از آخر مصدر است با توجه به ادغام دو d و صورت تلافی و تبدیل R قبل از لاحقه فعلی به N و تأثیر «آنالوژی» در مواردی از قبیل BËSDE .
در ساختمان اغلب ترکیبات و صرف صیغه‌های هرزنی تباهی راه یافته است و بعلت غلبه زبان ترکی وعدم تداول زبان هرزنی سنت صرف صحیح افعال وقواعد دستوری زبان رو با نخطا می‌رود. مثلاً ماضی استمراری از مصدر OŞIRE طبق قاعده و مطابق ماضی استمراری افعال *bere* و *âmâre şere* باید *âmâre berin ...* OŞINDE باشد در حالیکه در متون موجود هرزنی (مثلاً در «داستان خروس») باین صورت مذکور است: *bo oşirne berut* .

بنظر میرسد گوینده اشتباه کرده و بجای *oşinde berut* گفته است *bo oşirne berut* و با احتمال قوی تحت تأثیر صیغه جواب ماضی شرطی و ماضی مستمر نامعین این اشتباه بوجود آمده چنانکه در زبان آذربایجانی نیز اغلب صیغه ماضی مستمر واقعی بعلت شباهت فوق‌العاده و جزئی بودن تفاوت با صیغه مستمر نامعین اشتباه میشود :

آذربایجانی *eşidardılar* = می‌شنیدند = *bo oşirne berut*
» *eşidirdilar* = « *bo oşirne berut* »

مؤید این حدس آمدن *bo* برخلاف قاعده بر سر ماضی استمراری است که قطعاً تحت تأثیر ماضی مستمر نامعین یا جواب ماضی شرطی صورت گرفته. ایضاً در مثال زیر همین تأثیر دیده میشود:

be hunde berut = میخواندند = *oxiyardilar*
be hunne berut = « *oxiyirdilar* »

توضیح

در زبان فارسی برای دو نوع ماضی استمراری که مثال آنها را در زیر می‌دهیم يك صیغه وجود دارد در حالیکه در زبان هرزنی و همچنین ترکی آذربایجانی هر کدام را صیغهٔ مشخصی هست :

فارسی	}	1	{	او این سخن را میگفت که من رسیدم
		2	{	او این سخن را هر روز میگفت اگر من آنجا نبودم این سخن را میگفت
آذربایجانی	}	1	{ diyirdi
		2	{ diyardi diyardi
هرزنی	}	1	{	... ötda bera ...
		2	{ be-öte bera be-öte bera

«ماضی استمراری» که در این فصل مورد بحث قرار گرفت گروه اول از این دو گروه است و گروه دوم که در حقیقت همان «جواب ماضی شرطی» است جدا گانه مورد بحث قرار خواهد گرفت .

ماضی نقلی

پیش از بحث دربارهٔ طرز ساختن ماضی نقلی مثالی چند از صرف ماضی نقلی را ذکر میکنیم :

ماضی نقلی از bəsdə

man bəsdâmâ	من بسته‌ام	âmâ bəsdâmunâ	ما بسته‌ایم
te bəsdârâ	تو بسته‌ای	šema bəsdârunâ	شما بسته‌اید
a bəsdâya	او بسته است	âvoy bəsdâyna	ایشان بسته‌اند

ماضی نقلی از BERE

man	{	berinen	âmə beramunâ
		berama	
te	{	beri	šema berarunâ
		berara	
a		beraya	âvoy berayna

قاعده ساختن ماضی نقلی چنین است :

اسم مفعول + ma (mâ)	اسم مفعول + munâ
» + ra (râ)	» + runâ
» + ya	» + yna

مطابق امثله زیر :

bəsdâmâ = bəsdâ	(اسم مفعول) + mâ
berama = bera	» + ma
šerama = šera	» + ma
ümütama = ümüta	» + ma
varzirama = varzira	» + ma
ötama = öta	» + ma
vindama = vinda	» + ma

در ماضی نقلی نیز مثل ماضی مطلق باید بین متعدی و لازم در صرف اختلاف باشد «نظر دوست دانشمند آقای ژیلبر لازار».

موادی که در دسترس استاد هنینگ بوده حاکی از وجود اختلافی نبوده ولی استاد هنینگ که توجه با اساس مسئله داشته و دیده است که در ماضی نقلی افعال لازم و متعدی هر دو بایک نوع لاحقۀ فعلی، یعنی لاحقۀهای فعل متعدی تقریباً مثل متعدی در ماضی مطلق (قس پساوندهای صرفی ماضی مطلق متعدی یعنی ma : la : ja : munâ ; lunâ : junâ را با پساوندهای صرفی ماضی نقلی یعنی ma : ra : ya : munâ ; runâ : yna)، صرف میشوند آنرا از باب تأثیر متعدی در لازم دانسته است^۱.

۱- رک و. ب. هنینگ، زبان قدیم آذربایجان، ص ۱۷۰.

استاد هنینگ ماضی نقلی vinde (دیدن) را با ماضی نقلی šere (رفتن) سنجیده *

نشانه‌های صرف لازم در ماضی نقلی : چنانکه در « ماضی نقلی از bere » می‌بینیم در اول شخص و دوم شخص مفرد علاوه بر شکل عادی طبق قاعدهٔ مشترك (با لاحقهٔ صرفی متعدی) یعنی berama و berara شکل دیگر، یعنی «اول شخص مفرد = شده‌ام = berinen» و «دوم شخص مفرد = شده‌ای = beri»، نیز آمده است که ظاهراً نمایندهٔ صیغهٔ اصلی افعال لازم در ماضی نقلی است و پساوندهای صرفی قدیم ماضی نقلی در افعال لازم را مینماید. همچنین در متنهای موجود هرزنی اول شخص مفرد ماضی نقلی از مصدر HETE (خفتن) بصورت «hetinen = خوابیده‌ام» آمده که عیناً مطابق همان صیغه از BERE یعنی «berinen» است :

esbâ bera xetörjam ki man hetinen (۱)

== سگ خاطر جمع شد که من خوابیده‌ام «قصهٔ سلطان محمود سبکتکین».

* نتیجه گرفته‌اند که وحدت شکل ماضی نقلی از این دو فعل از باب تأثیر فعل متعدی (transitive) بر روی فعل لازم (intransitive) است و ماضی نقلی فعل دوم (šerama) کاملاً از روی ماضی نقلی فعل اول (vindama) اقتباس و طراحی شده است.

۱- شواهد زیر نشان میدهد که در دو شخص مفرد افعال لازم علاوه بر صرف مشترك با لاحقه‌های صرفی متعدی صرف (ماضی نقلی) بالاحقه‌های مخصوص فعل لازم نیز متداول است :

۱- خفته‌ام

۲- رفته‌ام

hetama-hetinen

šerama-šerinen

hetara-heti

šerara-šeri

hetaya

šeraya

۳- برگشته‌ام

۴- شکسته‌ام (لازم)

ceresdama-ceresdinen

sisdama-sisdinen

ceresdara-ceresdi

sisdara-sisdi

ceresdaya

sisdaya

۵- گریسته‌ام

beramesdama-beramesdinen

beramesdara-beramesdi

beramesdaya

هر دو صیغهٔ اول شخص مفرد در مثالهای ۱ و ۲ و ۳ و ۴، از مثالهای بالا، پساوندهای صرفی*

متأسفانه در چهار شخص دیگر (سوم شخص مفرد و سه شخص جمع) نمونه صرف قدیم و اصلی ماضی نقلی در افعال لازم در دست نیست و شاید امروز فراموش شده است. البته در سوم شخص مفرد نیز لاحقۀ صرفی در عین حال شباهت با لاحقۀ صرفی سوم شخص مفرد ماضی مطلق متعدی (ماضی مطلق متعدی = -ja- : ماضی نقلی = -ya-) نمایندۀ لاحقۀ صرفی ماضی نقلی لازم میتواند باشد.

مقایسه سه شخص مفرد ماضی نقلی که صورت اصلی صرف لازم آنها در دست است با صرف ماضی مطلق افعال لازم این نتیجه احتمالی را میدهد :

ماضی مطلق (شدم-بودم)	ماضی نقلی (شده-ام-بوده-ام)
BER-in	* BER-a-in < BER-in (+en) اسم مفعول
BER-i	* BER-a-i < BER-i
BER-a	* BER-a-a < BER-a-y-a
BER-um	* BER-a-um
BER-ur	* BER-a-ur
BER-ut	* BER-a-ut

دوم شخص مفرد ماضی نقلی « beri » از لحاظ تلفظ عیناً مثل دوم شخص مفرد ماضی مطلق است ولی از لحاظ ساختمان چنانکه در بالا دیدیم حتماً با آن فرق دارد و ظاهراً -ai- در آخر کوتاه شده به -i- مبدل گشته است؛ همچنین است در اول شخص مفرد ماضی نقلی « berin-en » : ولی لاحقۀ -en- که در آخر اول شخص مفرد ماضی

* لازم و متعدی یکسان متداول و برای اهل زبان فصیح است (همچنین در مورد berama و berinens) ولی در مثال ۵ صیغه نخستین (beramesdama) فصیح تر میباشد. اهل زبان دوم شخص مفرد با ساوند صرفی لازم (مثلاً sisdi) را نیز گاهی استعمال کنند ولی چون کاملاً شبیه ماضی مطلق است هنگام بحث تردید کرده میگویند صحیح نیست ولی در مورد اول شخص مفرد چون لاحقۀ فعلی ماضی نقلی (= inen) علامت -en- را اضافه بر لاحقۀ ماضی مطلق دارد استعمال صیغه لازم برای اهل زبان کاملاً عادی و متداول است.

در افعال متعدی فقط یک نوع صرف متداول است :

yarama	زده-ام	ötama	گفته-ام
bəsdāmā	بسته-ام	kešdama	گشته-ام
səsdāmā	شکسته-ام (متعدی)		

نقلی آمده است (BER-in-en) سهولت قابل توجهی نیست و نظیر آنرا در مستقبل نیز می‌بینیم، یعنی لاحقۀ مستقبل در اول شخص مفرد گاهی nin- است که غالباً بصورت مفصلتر ninen- استعمال میشود و فعلاً بنظر میآید که شاید در ماضی نقلی لازم برای عدم اشتباه باماضی مطلق لازم تلفظ این صیغۀ فعل کشیده‌تر شده است و در مستقبل نیز تأثیر «آنالوژی» محتمل است و در هر حال میل به تلفظ «کشیده‌تر و سنگین‌تر» در این دو مورد ظاهر است.

با تحقیقات دقیقی که از اهل زبان بعمل آمد معلوم شد که در مورد افعال لازم اگر چه تحت تأثیر افعال متعدی مساوی‌نمای فعلی ماضی نقلی در مورد تمام افعال، اعم از متعدی و لازم، شکل مشترکی پیدا کرده است (مثلاً: ... berama ; ... ötama) ، ولی اولاً در مورد اول و دوم شخص مفرد شکل اصلی بالاحقۀ صرفی مخصوص فعل لازم بصورت berinen و beri (چون عیناً مساوی دوم شخص مفرد ماضی مطلق لازم است غالباً با آن اشتباه میشود) هنوز استعمال میشود و در مورد چهار شخص دیگر صیغه‌های مفروض (شده است) = *bera-a : *bera-um : *bera-ur : *bera-ut کاملاً برای اهل زبان محسوس است یعنی پس از تأمل معنی آنها را بترکی درست میگویند و هیچگاه بجز ماضی نقلی صیغۀ دیگری را معنی آنها فرض نمیکنند.

مستقبل (آینده)

برای ساختن مستقبل لاحقۀ های فعلی با آخر اسم مفعول فعل منظور میآید :

num (nom) + اسم مفعول	nin (= ninen) + اسم مفعول
» + nur	» + ni
» + not (nut)	» + niya

باین مثالها توجه بکنید :

BERE

man beraninen	من خواهم شد	âmâ beranum	ما خواهیم شد
te berani	تو خواهی شد	šema beranur	شما خواهید شد
a beraniya	او خواهد شد	âvoy beranot	ایشان خواهند شد

BĒSDE

man	{	b ^ə sdāninen	من خواهم بست	âmâ b ^ə sdānom
		b ^ə sdānin		
	te	b ^ə sdāni		šema b ^ə sdānur
a		b ^ə sdāniya		âvoy b ^ə sdānot

در زمان مستقبل beranin ، beraninen ، kešdanin ، kešdaninen و هر دو

استعمال میشود و غالباً لاحقاً مفعول « ninen - » از لاحقاً کوتاه « nin - » برای اهل زبان روشنتر و فصیحتر است^۱.

مستقبل مقدم بر مستقبل دیگر (معلوم)

مثال برای مستقبل مقدم بر مستقبل دیگر (معلوم):

b ^ə sdâ-bera	beraninen	بسته خواهم بود
»	» berani	بسته خواهی بود
»	» beraniya	بسته خواهد بود
»	» beranum	بسته خواهیم بود
»	» beranur	بسته خواهید بود
»	» beranot	بسته خواهند بود

مثال:

man âmârere kimin en mert en bare b^əsdâ-bera beraniya

تامن بیایم این مرد این در را بسته خواهد بود.

قاعده ساختن این مستقبل چنین است:

مستقبل از فعل BERE	اسم مفعول فعل معین BERE	اسم مفعول فعل منظور
↓	↓	↓
BERANIYA	BERA	BĒSDĀ

مستقبل مقدم بر مستقبل دیگر (مجهول)

برای این صیغه باید مستقبل فعل BERE پس از اسم مفعول فعل منظور

۱- رگ بتوضیحی که در ضمن بحث راجع به اول شخص مفرد ماضی نقلی (BER-inen) در این باره داده شده است.

افزوده شود :

man âmârere kimin en bar bêsdâ beraniya

تا آمدن من این در بسته خواهد بود .

ظاهراً این نوع مستقبل فعل نیست بلکه وصفی است که بامستقبل فعل «بودن

شدن» استعمال میشود : این در «بسته» خواهد بود = این در خواهد بود، بسته .

ولی «مستقبل مقدم بر مستقبل دیگر (معلوم)» فعل است و نظیر صیغه معروف فرانسه

futur antérieur میباشد .

ماضی بعید

ماضی بعید از مصدر BÊSDE چنین است :

bêsdâ berin	بسته بودم	bêsdâ berum	بسته بودیم
bêsdâ beri	بسته بودی	bêsdâ berur	بسته بودید
bêsdâ bera	بسته بود	bêsdâ berut	بسته بودند

ماضی بعید از BERE :

bera berin	شده بودم	bera berum	شده بودیم
bera beri	شده بودی	bera berur	شده بودید
bera bera	شده بود	bera berut	شده بودند

چنانکه از مثالهای بالا برمیآید برای ساختن ماضی بعید، ماضی مطلق فعل

معین BERE پس از اسم مفعول فعل منظور میآید .

ماضی ابعد

منظور از ماضی ابعد صیغه‌هایی نظیر «شده بوده بودم» و «بسته بوده بودم» و

«زده بوده بودم» است . اهل زبان باین صیغه آشنائی ندارند یعنی این زمان در محاوره

وجود ندارد (چنانکه در فارسی نیز وجود ندارد) ولی معنی آنرا پس از گفتن تشخیص

میدهند و میگویند: «همان ماضی بعید است باتأکید» و گاهی نیز خود این صیغه را

در مقابل صیغه آذربایجانی bâr1âmêşedem (اشتباه نشود با bâr1âmêşdem که ماضی

بعید است) می‌آورند :

bera bera berin	=	شده بوده بودم
bəsdâ bera berin	=	بسته بوده بودم
yara bera berin	=	زده بوده بودم

درحقیقت این صیغها ماضی بعید از « زده شدن = yara bere » و « بسته شدن

» bəsdâ bere = بشمار می‌روند در مفهوم « زده شده بودم » و « بسته شده بودم » ولی چنانکه گفتیم اهل زبان برای مفهوم ماضی ابعد نیز همین صیغه را می‌پذیرند^۱.

برای ساختن ماضی ابعد صیغه معادل ماضی بعید فعل BERE پس از اسم مفعول

فعل منظور می‌آید .

ماضی شرطی و جواب ماضی شرطی

برای روشن شدن کیفیت استعمال ماضی شرطی و جواب ماضی شرطی در زبان

هرزنی توجه باین دو مثال لازم است :

{ agar jen beray-bi cōh babe bera ماضی شرطی جواب ماضی شرطی اگر چنین میشد خوب میشد	هرزنی :
	فارسی :
{ agar bela olseydi yâxci olârdi	آذر بايجانی :
{ agar bəsdây-bi cōh babe bera ماضی شرطی جواب ماضی شرطی اگر می‌بست خوب میشد	هرزنی :
	فارسی :
{ agar bâylâseydi yâxci olârdi	آذر بايجانی :

۱- برای درك علت این موضوع توجه باین نکته لازم است که BERE هم «شدن» و

هم «بودن» معنی دهد (از لحاظ فقه‌اللغه «بودن» است، چنانکه şere همان «شدن = رفتن» است).

هرگاه BERE فعل معین باشد معادل «بودن» فارسی است ولی در غیر اینصورت «شدن» معنی دهد.

برای روشن شدن موضوع توجه کنید با استعمال و مفهوم این فعل در دو مثال زیر :

man beraninen من خواهم شد

man bəsdâ beraninen من بسته خواهم بود (= خواهم بود بسته)

این توضیح میرساند که در yara bera berin بدو اعتبار دوم مفهوم وجود دارد :

yara + bera berin (معین) = زده + بوده بودم

yara bera + berin (معین) = زده شده + بودم

الف - ماضی شرطی

پیش از بحث دربارهٔ قاعدهٔ ساختن ماضی شرطی در زبان هرزنی مثالهایی ذکر میکنیم:

šeram-bi		آذ :	getseydim = اگر میرفتم
šerar-bi			getseydin = اگر میرفتی
šeray-bi			getseydi = اگر میرفت
šeramun-bi (šeram-bu)			getseydux = اگر میرفتیم
šerarun-bi			getseydiz = اگر میرفتید
šeray-but (šerayin-bi)			getseydilar = اگر میرفتند
yaram-bi	اگر میزدم		yaram-bu (yaramun-bi)
yarar-bi			yararun-bi
yaray-bi			yaray-but (yarayin-bi)
hetam-bi	اگر میخفتم		hetam-bu (hetamun-bi)
hetar-bi			hetar-bur (hetarun-bi)
hetay-bi			hetay-but (hetayin-bi) (۱)
mordâm-bi	اگر میمردم		mordâmun-bi
mordâr-bi			mordârun-bi
mordây-bi			mordây-but (mordâyin-bi)
bəsdâm-bi	اگر میبستم		bəsdâmun-bi
bəsdâr-bi			bəsdârun-bi
bəsdây-bi			bəsdây-but (bəsdâyən-bi)
šotâm-bi	اگر میگرفتم		šotâr-bi
beramesdam-bi	اگر میگریستم		beramesdayin-bi

قاعدهٔ ساختن ماضی شرطی :

برای ساختن ماضی شرطی لایق‌های زیر در آخر ریشهٔ فعل (- مصدر که علامت مصدری e- از آخر آن حذف شده باشد) میآید :

۱ - صحیح صیغه‌های بین‌الهالین است و صیغه‌های hetar-bur ، hetam-bu ، hetay-but تحریف‌شدهٔ صیغه‌های اصلی میباشد و اشتباهاً از طرف اهل زبان بکار میروند .

۱ = am (âm)-bi

۴ = amun (âmun)-bi

۲ = ar (âr)-bi

۵ = arun (ârun)-bi

۳ = ay (ây)-bi

۶ = ayin (âyin)-bi

صیغه تمنی و ترجی ماضی :

تمنی و ترجی ماضی نیز در زبان هرزنی باهمین صیغه بکار می‌رود :

{	agar âmârâm-bi = اگر می‌آدمم	=	agar galseydim	آذ :
	kâš âmârâm-bi = کاش می‌آدمم	=	kâš galeydim	
	garaĸ âmârâm-bi = باید می‌آدمم	=	garaĸ	
šeram-bi	میرفتم	}	اگر - کاش - باید	
beram-bi	میشدم			
yaram-bi	میزدم			

ب - جواب ماضی شرطی

در ضمن توضیحی که در باره ماضی استمراری دادیم اشاره شد که در زبان فارسی برای «ماضی استمراری» و «جواب ماضی شرطی» صیغه واحدی وجود دارد در حالیکه در زبان هرزنی و ترکی آذربایجانی هر یک را صیغه مشخصی هست و از طرف دیگر صیغه جواب ماضی شرطی همان صیغه «ماضی مستمر نامعین»^۱ نیز بشمار می‌رود. در زیر مثالی چند از جواب ماضی شرطی با معادل آذربایجانی آن می‌دهیم :

ÖTE = گفتن

be ÖTE berin = diyardim	آذ :	be ÖTE berum = diyardux
be ÖTE beri = diyardin		be ÖTE berur = diyardiz
be ÖTE bera = diyardi		be ÖTE berut = diyardilar

۱- منظور از صیغه ماضی مستمر نامعین نظیر فعل «میگفت» در مثال «او این سخن را هر روز می‌گفت» است که اختلاف کلی با همان صیغه در مثال «او این سخن را می‌گفت که من رسیدم» دارد، ولی شاید این اختلاف برای فارسی زبانان چندان محسوس نباشد در حالیکه در زبان هرزنی و زبان ترکی آذربایجانی کاملاً محسوس است و برای هر یک صیغه مشخصی وجود دارد :

جواب ماضی شرطی **ماضی مستمر نامعین** **ماضی استمراری**

میگفت	میگفت	میگفت
diyardi	diyardi	diyirdi
be öte bera	be öte bera	ötä bera

فارسی :

آذربایجانی :

هرزنی :

قاعده ساختن جواب ماضی شرطی

ماضی مطلق فعل BERE + مصدر فعل منظور - (be (= ba = bo = bö = bə) افعالی که با «be» آغاز میشوند (تقریباً مثل فارسی در بعضی صیغه‌ها) منحصر بجواب ماضی شرطی نیست و قسم دیگرش (مضارع عام یا زمان حال نامعین) را خواهیم دید.

جواب ماضی شرطی از BERE :

babe berin	babe berum
babe beri	babe berur
babe bera	babe berut

در ساختمان جواب ماضی شرطی از BERE ظاهراً عدول از قاعده بنظر میرسد ولی در حقیقت تأثیر «گوشنوازی» و در نتیجه «حذف و کوتاهشدن» است نه استثناء:

BABE bera = * be BE(RE) bera = *ba(=be) BE(RE) bera .

جواب ماضی شرطی از فعل šere عبارتست از baše bera (= ba-še-bera)

یعنی «میرفت» - آذ: gedardi . در این مورد نیز توضیحی که دربارهٔ ba be bera داده شد صدق میکند .

ba ŠE(RE) bera

توجه باین مثالها در مورد جواب ماضی شرطی لازم است :

be deesde bera = می‌جسبید = yâpəšârdi آذ :

bo ošire bera = می‌شنید = eširdardi آذ :

mâre bera(۱) = می‌آمد = galardi

bö nörö(۲) bera = می‌نهاد، می‌گذاشت = šoyârdi

be korda(=korde) bera = می‌کرد = elardi

be hunde bera = می‌خواند = oxiyardi

ož bö döro(۲) bera = آواز میداد، می‌خواند = oxiyardi

۱- مخفف و کوتاهشده be âmâre bera است :

{	terkoy hor sor mâre berut	هرزنی :
	türklar har il galardilar	آذربایجانی :
	ترکان هر سال می‌آمدند	فارسی :

این صیغه همان صیغه مشترک جواب ماضی شرطی و ماضی مستمر نامعین است. صیغه ماضی

استمراری از این فعل âmânde berut (می‌آمدند = آذ : galirdilar) است .

۲- تغییر فونتیگ e- مصدری به ö-

صیغهٔ اخیر همان *ba özdöre bera* * است که چون *özdöre* خود مرکب از دو کلمه *özdöre* + *döre* (آواز + دادن = بانگ کردن خروس) است در حقیقت *döre* صرف میشود و *özdöre* بر سر آن میآید (قس بافارسی: آواز دادن > آواز میداد).

مثال برای ماضی شرطی و جواب ماضی شرطی

Ce ba be bera agar a mö deley möhrebân beray-bi
ki câmä hölmun jen ne bera agar ja beray-bi

ترجمه: چه بودی از دل آنماه مهربان بودی

که حال ما نه چنین بودی از چنان بودی «حافظ»

در ترجمهٔ این غزل حافظ بزبان هرزنی^۱ این افعال بصیغهٔ ماضی شرطی و

جواب ماضی شرطی استعمال شده است:

<i>bö öte berin</i>	=	بگفتی	<i>šotây-bi</i>	(= داشتی)
<i>âmârây-bi</i>		آمدی	<i>bšsdây-bi</i>	برستی

همچنین باین مثال توجه بکنید:

«ey har..., en jöb jen böhö ne beray-bi man en javâhire išda-
nim gavim-hun javi gavey ne bö nöre berin»

ترجمه: «ای خر... این سخن (اگر) چنین بها (دار) نمی بودمن این جواهر

را بادهان خویشتن بدهان او نمیگذاشتم».

ایضاً:

«te agar peyšumbare kovâtîle ne dšrâr-bi âmâ heš jen zalil
ne ba be berum, heš en ruže ne me munde berum»

در مثال بالا صیغهٔ اخیر که اول شخص جمع جواب ماضی شرطی از مصدر

MUNDE است قیاساً باید *ne be munde berum* باشد که ظاهراً بعلت «آنالوژی» با

صیغهٔ منقی مضارع عام^۲ و شاید ماضی نقلی (رجوع شود بمبحث «فعل منقی در زبان

۱ - رك مقاله «نکته‌ای چند از زبان هرزنی» از نگارنده، در نشریه دانشکده ادبیات

تبریز، سال ششم، شماره سوم.

هرزنی») و همچنین تأثیر حرف اول *munde* باین شکل در آمده است .

جواب مضارع شرطی و مضارع نامعین عام (مضارع نامعین)

برای روشن شدن کیفیت این صیغه در زبان هرزنی توجه بمشالهای زیر و مقایسه و تطبیقی که بین سه زبان فارسی و ترکی آذربایجانی (واسطه ترجمه هرزنی بفارسی) و هرزنی بعمل آمده است ضرورت دارد :

مضارع شرطی	}	فارسی :	اگر ببندم خوب میشود
		آذربایجانی :	اگر ببندم خوب میشود
			شرط جواب شرط
		آذربایجانی :	agar <u>bây lāsâm</u> <u>yâxci olâr</u>
			شرط جواب شرط
		هرزنی :	agar <u>BIND-en</u> <u>cöh BAB-an</u>
			شرط جواب شرط

مضارع عام نامعین	}	فارسی :	می بینم میگویم میشوم
		آذربایجانی :	olârâm (ollâm) - diyaram - göraram (gö-
			ram)
		هرزنی :	BAB-en bö ÖT-en be VIND-en

از این امثله برمیآید که در زبان آذربایجانی برای « مضارع شرطی » صیغه مستقل و خاصی وجود دارد و « جواب مضارع شرطی » با « مضارع نامعین » دارای صیغه واحد مشترك است :

bunâ harzanida na diyallar ? = مضارع نامعین

fişâr gatisan ha⁸i⁸ati diyallar = جواب مضارع شرطی

ولی در زبان هرزنی :

۱- « مضارع شرطی » در حقیقت همان « مضارع التزامی » است (بر خلاف ترکی

و مثل فارسی) چنانکه از این مثال برمیآید :

اگر ببندم خوب میشود^۱ agar BIND-en cöh baban

۱- قس با :

در را ببندم ببینم چه میشود = bare BIND-en VIN-en ce baban

agar BIND-i cöħ baban	اگر ببندی خوب میشود
» BIND-ey » »	» ببندد »
» BIND-om » »	» ببندیم »
» BIND-ur » »	» ببندید »
» BIND-ot » »	» ببندند »

در حقیقت صیغه مخصوص شرط «ماضی شرطی» است نه «مضارع شرطی» زیرا در زمان گذشته تمام افعال صورت واقع و مختوم دارد و بهمین علت برای «ماضی شرطی» که از وقوع فعل حکایت نمیکند باید صیغه مخصوصی وجود داشته باشد در حالیکه در آینده (مضارع) فعل التزامی (subjunctif) نیز مانند فعل شرطی از وقوع فعل حکایت نمیکند و در نتیجه صیغه آنها یکی است «نظر دوست گرامی آقای ژیلبر لازار».

۲- جواب مضارع شرطی در حقیقت نوعی مضارع یعنی «مضارع عام نامعین» است که نسبت به «زمان حال اخباری» تعمیم دارد یعنی در زمان حاضر اتفاق نمی افتد و وقوع آن در زمان معین منظور نیست بلکه در زمان حال و آینده عموماً ممکن است واقع شود و بهتر است آنرا «مضارع عام» یا «زمان حال کلی» (présent général) بنامیم^۱.

این صیغه که آنرا «جواب مضارع شرطی» نیز نامیده ایم بهتر است بهمین نام

۱- در زبان فارسی صیغه واحدی برای «زمان حال اخباری» و «مضارع عام نامعین» وجود دارد ولی تفاوت معنوی محسوس است و «میروم» و «میکویم» در جمله «اگراو بیاید من میروم-یا: اگراو بیاید این سخن را میکویم» تفاوت محسوس با همان صیغه در مثال «من اکنون با نجا میروم- یا: من اکنون این سخن را میکویم» دارد و بطور کلی مضارع عمومی از امکان رفتن و گفتن یارفتن و گفتن بالقوه حکایت میکند، ولی در ترکی آذربایجانی مثل هر زنی صیغه جداگانه برای «زمان حال اخباری» و «مضارع عمومی» وجود دارد:

زمان حال اخباری	مضارع عمومی
آذربایجانی : diyiram (میگویم)	diyaram (میگویم)
هر زنی : ötden	bö öten
آذربایجانی : bâylârâm (می بندم)	bâylârâm (می بندم)
هر زنی : bəsnen	bə bəsdən

(مضارع عام نامعین) تسمیه شود نه «جواب مضارع شرطی» زیرا اصولاً چنانکه گفتیم مضارع شرطی بمعنی حقیقی آن وجود ندارد (مضارع شرطی همان مضارع التزامی است که در هرزنی نیز مثل فارسی هیچ فرقی بین این دو صیغه وجود ندارد، اگرچه در ترکی آذربایجانی دو صیغه متفاوت برای مضارع شرطی و مضارع التزامی وجود دارد و یکی را «باغلاسام» و دیگری را «باغلی ییم» میگویند) تاجوابی داشته باشد «نظر دوست دانشمند آقای ژیلبر لازار».

مضارع عام نامعین از ÖTE

bö öten (میگویم)	diyaram : آذ	bö ötom	diyarux : آذ
dö öte	diyasan	bö ötor	diyasız
bö ötan	diyar	bö ötot	diyallar

ŞERE

ba šenen(۱)	gedaram : آذ	ba šom
ba še		ba šor
ba šan		ba šot

BƏSDE

bə bəşden	bâylârâm : آذ	bə bəşdom
bə bəşde		bə bəşdor
bə bəşdân		bə bəşdot

KORDE

bo kord-en	elaram : آذ	bo kord-om
bo kord-e		bo kord-or
bo kord-ân		bo kord-ot

SƏSDE

bə(۲)səsd-en	səndərârâm : آذ	bə səsd-om
bə səsd-e		bə səsd-or
bə səsd-ân		bə səsd-ot

۱ - ba ŞEN-en و ba ŞEN هر دو متداول است

۲ - ə در bə و səsd- تلفظی بین e و ə دارد.

SISDe

be sisd-en	sə'nārām آذ :	be sisd-om
be sisd-e		be sisd-or
be sisd-an		be sisd-ot

چند مثال دیگر ذکر میکنیم :

bo ʒot-ân(۱)	ارزد	bo vot-ân(۲)	برون آرد
ba navesd-ot	(۳) میخوانند، دوست دارند	be bâxšîr-en(۴)	بخشم
bö öt-en(۵)	گویم	bö öt-ot	گویند، میگویند

قاعده ساختن مضارع عام

اساس ساختمان مضارع عام با توجه بمثالهایی که دیدیم چنین است :

لاحقه صرفی + (مصدر با حذف -e از آخر آن) ریشه فعل + (= bə = bo = bö = ba)

لاحقه‌های صرفی مضارع عام چنین است :

-en	-om
-e	-or
-an(= ân)	-ot

مضارع عام از فعل BERE چنین است :

۱- آذربایجانی dayar ترجمه «ارزد» در این شعر حافظ :

بگفتمی که چه اززد نسیم طره درست گرم بهر سرموئی هزار جان بودی

۲- آذربایجانی oxârdâr: ترجمه «برون آرد» در این شعر حافظ :

من از آن حسن روز افزون که یوسف داشت دانستم

که عشق ازورده عصمت برون آرد زلیخا را

۳- آذربایجانی istallar: ترجمه «دوست دارند» در این شعر حافظ :

نصیحت گوش کن جانانه ازجان دوست تو دارند ...

۴- آذربایجانی barişlaram: ترجمه «بخشم» در این شعر حافظ :

... بخال هندویش بخشم سمرقند و بخارا را

۵- آذربایجانی diyaram: ترجمه «گویم» در این شعر حافظ :

اگر دشنام فرمائی و گرنفرین دعا گویم ...

ba B-en (=enen)	ba B-om
ba B-e	ba B-or
ba B-an	ba B-ot

در حالیکه مطابق قاعده بالا میبایست چنین باشد:

* ba BER-en	* ba BER-om
* ba BER-e	* ba BER-or
* ba BER-an	* ba BER-ot

ظاهراً برای رعایت «گوشنوازی» شکل صیغه فعل مخفف و کوتاه شده است:

$$*ba B(ER)-en \searrow ba B-en \searrow BAB-en$$

صرف استثنائی مضارع عام از BERE (حذف ER- از اصل «Radical») مقایسه

شود با صرف استثنائی جواب ماضی شرطی از همین فعل (رك بمبحث جواب ماضی شرطی).

چنانکه در صیغه «جواب ماضی شرطی» فعل šere نیز مثل bere با حذف و تخفیف صرف میشود (رك بمبحث جواب ماضی شرطی) در این مورد یعنی صیغه «مضارع عام» نیز توضیحی که درباره bab-en دادیم درباره صیغه معادل از šere یعنی baš-en صدق میکند:

$$*ba Š(ER)-en \searrow ba Š-en \searrow BAŠ-en$$

چنانکه در اول شخص مفرد مضارع عام از BERE و ŠERE می بینیم علاوه بر صیغه

قیاسی ba ben و ba šen صیغه مستزاد ba ben-en و ba šen-en نیز در زبان هرزنی متداول است و درباره پسوند زائد -en جز تأثیر «آنالوژی» راه توجیه دیگری بنظر نگارنده نمیرسد (رك: درمبحث «نشانه‌های صرف لازم در ماضی نقلی» بتوضیحی که درباره لاحقۀ -en زائد، در آخر اول شخص مفرد ماضی نقلی «berin-en» و اول شخص مفرد مستقبل، داده شده است).

فعل دعا در هرزنی

برای دعا در زبان هرزنی صیغه التزامی بکار می‌رود: باد(بواد)، بُود، بشود

buney

مثال :

رویت سیاه باد = dimer süye buney .

فعل منفی در زبان هرزنی

در زبان هرزنی برای ساختن فعل منفی علامت نفی ne قبل از صیغه مثبت می‌آید،

جز در مواردی که ساختمان صیغه فعل تغییر می‌کند و آنهارا جدا گانه شرح خواهیم داد:

ماضی مطلق	{	šerin (رفتم)	šeri	šera ...
		ne šerin (نرفتم)	ne šeri	ne šera
		ötma (گفتم)	ötla	ötja ...
		ne ötma (نگفتم)	ne ötla	ne ötja
زمان حال اخباری	{	ötten (می‌گویم)	ámânden (می‌آیم)	
		ne ötten (نمی‌گویم)	n-ámânden (ne ámânden)	منخف
مستقبل	{	ötanin (خواهم گفت)		
		ne ötanin (نخواهم گفت)		
التزامی	{	boyen (بیایم)		
		ne boyen (نمایم)		
ماضی شرطی	{	agar yaram-bi (اگر می‌زدم)	kâš âmârâm-bi	(کاش می‌آدم)
		agar ne yaram-bi (اگر نمی‌زدم)	kâš n-âmârâm-bi (ne âmârâm-bi)	(منخف)

در مورد ماضی بعید و ابعاد و ماضی استمراری و جواب ماضی شرطی نیز با افزودن

ne بر سر صیغه مثبت فعل صیغه منفی بوجود می‌آید .

صیغه منفی در ماضی نقلی

در صیغه منفی ماضی نقلی در زبان هرزنی لاحقاً فعلی جای خود را تغییر داده

پس از علامت نفی «ne» قرار می‌گیرد و ریشه فعل بصورت اسم مفعول پس از آن می‌آید:

مثبت	منفی
öta-ma (گفته‌ام)	ne-me(١)öta (نگفته‌ام)
öta-ra	ne-re(١)öta
öta-ya	ni-ya öta
öta-munâ	ne-munâ öta
öta-runâ	ne-runâ öta
öta-yna	ne-y(i)na öta
kešda-ma	ne-ma kešda
kešda-ra	ne-ra kešda
kešda-ya	ni-ya kešda
âmârâ-mâ	ne-ma âmârâ
hordâ-mâ	ne-ma hordâ
kordâ-mâ	ne-ma kordâ
šera-ma	ne-ma šera
döra-ma	ne-ma döra

در باره شیوه استثنائی ساختن فعل منفی در ماضی نقلی توجه باین نکته لازم است:

چنانکه دیدیم در ماضی مطلق و ماضی نقلی لاحقاً فعلی (désinences) متعددی در حقیقت تغییر یافته ضمائر شخصی است (رك: مبحث ماضی مطلق و ماضی نقلی) و در صیغه‌های منفی نظیر ne-ra kašda, ne-ra öta نیز مثلاً «ra» در حقیقت ضمیر است و تقریباً «نی» (نیستی) گفته و نیی کشته» معنی دهد یعنی «نگفته‌ای و نکشته‌ای». «نظر دوست گرامی آقای ژیلبر لازار».

در مورد ماضی نقلی شکل منفی ... ne ötama, ne ötara, ne ötaya نیز در

نظر اهل زبان کاملاً صحیح و مفهوم است و گاهی استعمال میشود ولی شکل دیگر یعنی ... ne me öta متداولتر و بهتر است.

صیغه منفی در مضارع عام

ساختمان صیغه منفی در مضارع عام^۱ نیز شبیه ماضی نقلی است یعنی در این مورد

۱- ra - ma - صحیح تر است. قس بادیگر مثالها.

نیز برای ساختن فعل منقی لاحقۀ فعلی بکلی از بین می‌رود و بجای آن معادلش با آخر علامت نفی می‌چسبد. البته معادل لاحقۀ فعلی که در صیغۀ منقی مضارع عام با آخر علامت نفی می‌چسبد با آنچه در ماضی نقلی گذشت متفاوت است ولی اساس در این مورد نیز ظاهراً همان تغییر یافته ضمائر می‌باشد و ریشه فعل نیز که پس از «علامت نفی چسبیده بمعادل لاحقۀ فعلی» می‌آید برخلاف ماضی نقلی که اسم مفعول بود، مصدر یا ریشه فعل در معنی مصدر است و همین نشان میدهد که اساس ساختمان ماضی نقلی بر پایه «اسم مفعول» و اساس ساختمان مضارع عام بر پایه «ریشه مصدری» قرار دارد :

مثبت	منفی
bö öt-en (diyaram : آذ)	ni-ma öte (demaram : آذ)
bö öt-e	ni-lla öte
bö öt-an	ni ba öte
bö öt-om	ni-munâ öte
bö öt-or	{ ni-llunâ öte
	{ ni-runâ öte
bö öt-ot	ni-nda öte
bo kord-en	ni-ma ko (۱)
bo kord-e	{ ni-lla ko
	{ *ni-ra ko
bo kord-ân	ni ba ko
bo kord-om	ni-munâ ko
bo kord-or	ni-llunâ ko
bo kord-ot	ni-nda ko
bo hord-en	ni-ma ho(horde)
bö dör-en	ni-ma dö
bo hošd-en	ni-ma hošde
be sisd-en	ni-ma sisde
be âmâr-en	ni-ma âmâre
be âmâr-e	ni-lla âmâre

۱- معمولاً چنین بکار برند ولی ni-ma korde نیز برای اهل زبان مفهوم است.

مثبت	منفی
be âmâr-ân	ni ba âmâre
be âmâr-om	ni-munâ âmâre
be âmâr-or	ni-llunâ âmâre
be âmâr-ot(۱)	ni-nda âmâre

منفی مضارع عام^۳ طبق قاعدهٔ عمومی (ne bô öten.....) نیز برای اهل زبان کاملاً مفهوم است و آنرا درست میدانند ولی استعمال اهل زبان معمولاً چنان است که گذشت .

فرق بین ساختمان صیغهٔ منفی ماضی نقلی و مضارع عام^۳ در این موارد خلاصه

می شود :

۱- معادل لاحقۀ فعلی (تغییر یافتهٔ ضمائر) که به علامت نفی (=ni) می چسبد

در اول شخص و دوم شخص مفرد و اول شخص و دوم شخص جمع تقریباً یکسان است :

ماضی نقلی	مضارع عام
ne-ma	ni-ma
ne-ra	ni-lla (*ni-ra)
ne-munâ	ni-munâ
ne-runâ	ni-llunâ (ni-runâ)

۲- در صیغهٔ منفی مضارع عام be (که در صیغهٔ مثبت وجود دارد) حذف میشود

و جای آنرا لاحقۀ فعلی (یا ضمیر) میگیرد : علوم انسانی

bô öt-en → ni-ma öte

فقط در سوم شخص مفرد صیغهٔ منفی مضارع عام ba بجا مانده است و علت آن

ظاهراً اینست که چون در سوم شخص مفرد، لاحقۀ فعلی (یا ضمیر) در صیغهٔ منفی پس

از علامت نفی ne نمیآید ba بر جای میماند :

۱- مضارع عمومی از âmâre معمولاً در زبان هرزنی چنین استعمال شود :

mâren	mârom
mâre	mâror
mârân	mârot

صیغه‌های مزبور به شکل bâmâren, bâmâre... نیز استعمال شود .

ni ba öte - ni ba ko - ni ba âmâre

۳- سوم شخص جمع در منفی ماضی نقلی و مضارع عام متفاوت است :

... (مضارع عام) ni-nda ... (ماضی نقلی) ne-yina

۴- در ماضی نقلی چنانکه گذشت پس از علامت نفی و لاحقۀ اسم مفعول می‌آید

ولی در مضارع عام مصدر یا ریشه مصدری مثل ko (=korde) و ho (=horde) و

dö (=döre) می‌آید و باین اعتبار ni-ma ko و ni-ma ho مفهومی شبیه «نیم (نیستم)

کردن» و «نیم خوردن» یعنی «نکنم = نمیکنم» و «نخورم = نمیخورم» خواهد داشت^۱.

اسم فاعل و اسم مفعول منفی

bêsdâ bera bar

در بسته

bêsdâ ne bera bar : منفی

در ناپسته (بسته شده)

üvüta bera esbâ

سگ آویخته شده

üvüta ne bera esbâ : منفی

سگ نا آویخته (آویخته نشده)

yaranda mert

مرد زننده

ne yaranda mert : منفی

مرد نازنده

فعل استفهامی در هر زنی

استفهام موجب هیچ تغییری در صیغه افعال هر زنی نمیشود و فقط از لحن و آهنگ

ادای افعال میتوان پی برد که جمله استفهامی است .

۱- در مورد صیغه منفی مضارع عام باین مثالها نیز توجه شود :

man en körune ni masde = (بلد نیستم) من اینکارها را ندانم

فعل منفی ni masde در مثال بالا مخففِ ni-ma basde است (صیغه مثبت این فعل

be basden یا basden است) .

a hunde ni basde = (بلد نیست) او خواندن نداند

فعل منفی ni basde در این مثال مخففِ ni ba basde است (صیغه مثبت این فعل

be basdan میباشد) .

بُن (ریشه) افعال در زبان هرزی

استاد هنینگ دربارهٔ بُن افعال (verbal stem) هرزی در رسالهٔ زبان باستان آذربایجان نوشته‌اند: «در ایرانی میانه و در اکثر زبانهای جدید ایرانی در ریشهٔ (بُن) فعلی، یعنی بُن مضارع و بُن ماضی، بچشم میخورد؛ اما در لهجهٔ گیلین قیه سه بُن وجود دارد: مضارع (present)، ماضی (preterite)، والتزامی (subjunctive)، و یک شکل جداگانه برای دوم شخص مفرد امر».

استاد هنینگ بیست و شش مثال در لیست مورد بحث ذکر کرده و در هر مورد بذکر بُن امر (Imp.)، التزامی (Subj.)، ماضی (Pret.)، مضارع (Pres.) و بُن مشترك (Base) پرداخته است ولی بعلت کافی نبودن موادی که در دسترس ایشان بوده نتوانسته‌اند تمام صیغه‌های افعال بیست و ششگانه را بدهند و فقط در شش مورد تمام صیغه‌ها ذکر شده است.

آنگاه این توضیحات را افزوده‌اند: «ریشهٔ ماضی ریشهٔ ماضی قدیم را تعقیب میکند و بنابراین هیچگونه اشکالی پیمیش نمی‌آید. ریشهٔ مضارع قدیم اساساً (از لحاظ ماده و جوهر) بوسیلهٔ ریشهٔ التزامی، و تماماً بوسیلهٔ امر، ادامه یافته است، که عموماً اشکالی سخت کوتاه‌شده‌ای دارد. ولی برخی از بُنهای التزامی در آغاز لیست (a-f) صوت آخر n- را دربر دارد که اصل آن روشن نیست. احتمالاً این بُنهای التزامی صیغه‌های جدیدی بشمار می‌روند که از روی «امر» ساخته شده‌اند؛ مثلاً حالت (d)، «کردن»، در موردی که ریشهٔ مضارع کهن kar بوده، و در صیغهٔ امر کوتاه‌شده و بصورت ka درآمده است: از روی این شکل، بُن التزامی با افزایش n- ساخته شده است. نخستین فعل در لیست مذکور (šere) نشان میدهد که این شکل کاملاً جدید نیست؛ در مورد ریشهٔ التزامی -šun بنظر میرسد که در زمانی که صیغهٔ امر هنوز *šū بوده باید ساخته شده باشد.

جالبترین بُنهای سه گانه بُن مضارع است. بُن مضارع ظاهراً از روی بُن ماضی ساخته شده است. از این لحاظ لهجه گلین قیه از اکثر لهجه‌های غربی ایرانی متمایز است. این ریشه بُن مضارع از لحاظ شکل در نیمه دوم لیست نسبتاً روشن است اما بعضی از آنها در آغاز لیست باز اشکال دارند...

استاد هنینگ پس از بحث درباره قاعده تشکیل بُن مضارع و توجیه مؤخره‌های -nd و -n- و -tn- و -tt- در آخر بُن مضارع هرزنی می‌افزایند: «شالوده این بُنها ممکن است بر اساس -ant- وجه وصفی، که در لهجه گلین قیه طبق قاعده از روی بُن ماضی ساخته شده، پی‌ریزی شده باشد. وجه وصفی: šeranda (رونده)، doranda (دهنده)، kördanda (کننده)، yaranda (زننده) و غیره. این شکل‌ها ممکن است در موقع ساخته شدن بُن مضارع قویاً کوتاه شده باشند، بطوریکه مضارع فعلی از لحاظ ریشه زمان مرگبی خواهد بود، I go بجای I go.

باین ترتیب میتوان مؤخره‌های مختلف -nd-، -n- و -d- (که مکرراً به -t- تبدیل شده است) را، که همگی از -nd- ناشی میشوند، در آخر دسته‌های حروف بی صدا توجیه کرد.»^۱

۱- رگ

Transactions of the Philological Society, 1954, p. 170-173

موادی که در دسترس استاد هنینگ بوده و در لیست مذکور در صفحه ۱۷۱ مورد استفاده قرار گرفته است (بخصوص امثله مربوط به زمان حال اخباری) خالی از اشتباهات نیست؛ نظیر موارد h, n, q. مثلاً در مورد (n) زمان حال اخباری از مصدر öte چنانکه در فصل «زمان حال اخباری» دیدیم باید ötden باشد نه ÖTN-en (رگ میحت «زمان حال اخباری» و «ماضی استمراری») و ظاهراً تصور وجود لاحقۀ -tn- در آخر بن مضارع هرزنی از همین جا برای استاد پیش آمده است (البته این اشتباهات ظاهراً ناشی از وجود اشتباهاتی در استعمالات بعضی از اهل زبان یا تسامح در ضبط آنهاست).

بطور کلی میتوان نمودار زیر را برای ساختمان وجوه وصیفه‌های افعال هرزنی از مصدر «بستن» در نظر گرفت:

impératif امر
subjonctif التزامی
(دنباله پاورقی در صفحه ۹۳)

band
band-am

بن مصدر و بن امر

با توجه به صیغه‌های مختلف افعال و کیفیت ساختمان آنها نتایج زیر درباره ریشه افعال هرزنی گرفته میشود :

۱- بطور کلی در زبان هرزنی دو بن برای افعال وجود دارد: بن مصدر و بن امر . بن مصدر را میتوانیم بن ماضی نیز بنامیم ، چنانکه بن امر نیز به بن التزامی قابل تسمیه است .

۲- علت اینکه دو ریشه مذکور را ریشه ماضی و ریشه مضارع نمی‌نامیم اینست که این تسمیه کافی برای نمایش ریشه‌های افعال هرزنی نخواهد بود زیرا در این زبان مضارع اخباری هم ریشه ماضی میباشد .

۳- صیغه‌های زیر در زبان هرزنی از بن مصدر (بن ماضی) مشتق میشوند:

زمان حال اخباری-ماضی مطلق-ماضی نقلی-ماضی استمراری-مستقبل ساده-مستقبل مقدم بر مستقبل دیگر (معلوم و مجهول)-ماضی بعید و ابعید-ماضی شرطی-جواب ماضی شرطی-جواب مضارع شرطی یا مضارع عام^۱ نامعین-اسم فاعل-اسم مفعول-مصدر .

برای روشن شدن هم‌ریشگی صیغه‌های مذکور در بالا بن مصدر را در هر یک از آنها نشان میدهیم :

(بقیه باورقی ۱ از صفحه ۹۳)

présent زمان حال
imparfait ماضی استمراری
prétérit ماضی مطلق
parfait ماضی نقلی

*bastande-am
*bastande budam
bast-am,-at,-aš,-mân,-tân,-šân
baste-am,-at,-aš,,-ast

توضیح	ریشه	مثال برای صیغه منظور	مصدر	فعل منظور
	لازم { BER-e متعدی { KOR-de DÖR-e ÖT-e	BER-in KOR-mâ DÖR-ma ÖT-ma	BERE KORDE BÖRE ÖTE	ماضی مطلق
ساختمان ماضی استمراری عیناً بر اساس ساختمان مضارع اخباری قابل توجه است	NAVES-de HÖŞ-de MET-e BER-e (= BEN) HOR-de (= HON)	NAVES-nen HÖŞ-nen MET-den BEN-den HON-den	NAVESDE HÖŞDE METE BERE HORDE	زمان حال اخباری
	BĒS-de ÖT-e ŞER-e (= ŞEN) HOR-de (= HON)	BĒS-ne berin ÖT-de « ŞEN-de « HON-de «	BĒSDE ÖTE ŞERE HORDE	ماضی استمراری
بر اساس اسم مفعول	BER-e	BER-ama	BERE	ماضی نقلی
بر اساس اسم مفعول	BĒSD-e	BĒSD-ânin	BĒSDE	مستقبل
بر اساس اسم مفعول	BĒSD-e	BĒSD-â berin	BĒSDE	ماضی بعید
	ŞER-e	ŞER-am bi	ŞERE	ماضی شرطی
	ÖTE	be ÖTE berin	ÖTE	جواب ماضی شرطی
	SISD-e	be SISD-en	SISDE	مضارع عام نامعین
	ÜVÜT-e	ÜVÜ-Ta	Ü ÖTE	اسم مفعول
	KER-e	KER-ândâ	ƀ RE	اسم فاعل
	BERE	BERE	BERE	مصدر

۴- این افعال در زبان هرزنی از **بن امر (بن التزامی)** گرفته میشوند :

امر-مضارع التزامی (شرطی).

۵- **بن مضارع التزامی** با صیغهٔ مفرد امر و **بن صیغهٔ جمع امر** مساوی است (با چند استثنا که در مبحث امر و التزامی ذکر آنها گذشت). چنانکه از مقایسهٔ «لیست» افعال امر و التزامی برمیآید مضارع التزامی با امر جمع کاملاً هم‌ریشه است و موارد استثنائی مربوط بر ریشهٔ التزامی و امر مفرد است. یعنی در این موارد صیغهٔ امر مفرد با **بن امر جمع** و **بن التزامی** اختلاف و تفاوت دارد :

التزامی	امر جمع	امر مفرد	مصدر
boy-en	boy-or	biri	âmâre
šün-en	šun-or	še	šere
bun-en	bun-or	be	bere

۶- بطور کلی با افزودن **-or** با آخر صیغهٔ امر مفرد صیغهٔ امر جمع بدست میآید. این قاعده کلی است، و موارد استثنائی نیز بر همین اساس قابل توجیه بنظر میرسد:

الف - از قریب ۱۱۴ مثال که در «لیست» **فعل امر** بررسی شده در ۸۲ مورد

صیغهٔ جمع مستقیماً با افزایش لاحقۀ **-or** با آخر صیغهٔ مفرد ساخته میشود، مثال :

مفرد :	ban	düž	vorun	orâv
جمع :	ban-or	düž-or	vorun-or	orâv-or
مفرد :	s ^ə nt	bind	lev	hoz
جمع :	s ^ə nd-or	bind-or	lev-or	hoz-or

ب - هر گاه صیغهٔ امر مفرد مختوم به **-i** باشد بین **-i** و **-or** حرف **-y** میآید :

مفرد :	keri	si	fi
جمع :	keri-y-or	si-y-or	fi-y-or

صیغهٔ امر **neši** (بنشین) که جمع آن **nešinor** است طبق این قاعده قابل توجیه

نیست و ظاهر آن جزء دستهٔ دیگری از صیغه‌های امر است که در بارهٔ آنها بحث خواهیم کرد.

ج - گاهی صیغهٔ جمع امر مختوم به **-nor** است و این مورد خود موارد

گوناگون دارد :

اولاً : مواردی که در آنها امر مفرد مختوم به **-n** است، ولی گاهی **-n** از آخر

میافتد و صیغهٔ امر مفرد بصورت کوتاه و مخفف استعمال میشود. در این موارد صیغهٔ امر

جمع بسادگی طبق قاعدهٔ کلی (افزودن **-or** با آخر امر مفرد) توجیه میشود :

ya(n)	ka(n)	da(n)	na(n)	مفرد :
yân-or	kân-or	dân-or	nân-or	جمع :

ثانیاً، مواردی که امر مفرد مختوم به n- تلفظ نمیشود ولی از لحاظ شکل و

حرف مصوت قبل از n- جزء دسته اول است :

diya	biya	venda	ösa	مفرد :
diyanor	biyânor	vendânor	ösanor	جمع :
âsdâ	neši			مفرد :
âsdânor	nešinor			جمع :

صیغه‌های مفرد مذکور ظاهراً « کوتاه شده » و مخفف صیغه‌های مختوم به n-

بشمار میروند و در صیغه‌های جمع آن n- حفظ شده است، با افزودن or- بآخر آنها :

diya(n), biya(n), venda(n), ösa(n), âsdâ(n), neši(n)

دومثال زیر، که حرف مصوت قبل از n- در صیغه مفرد امر تغییر یافته است،

نیز طبق همین نظر قابل توجیه است :

ŞERE

še = *šu(n)
şunor = şun-or

BERE

be = *bu(n) : مفرد
bunor = bun-or : جمع

در پاره‌ای از موارد مذکور در بالا تأثیر قانون تشابه (Analogie) نیز محتمل است.

ثالثاً، مواردی از قبیل kernən (kernor) و röhnen (röhnor) ، که در

توضیحات راجع به « امر و التزامی » مورد بحث قرار گرفت . در این موارد نیز صیغه

جمع با افزودن or- بآخر صیغه مفرد مختوم به n- (ən- en-) در آخرین صیغه‌ها ظاهراً

تحت تأثیر صیغه اول شخص مفرد التزامی پیدا شده است. رگ: توضیحات مربوط به

« امر و التزامی » بدست میآید :

امر مفرد	امر جمع
ker(n)-ən	kern-or
röh(n)-en	röh-or

مثال زیر نیز قابل توجه است :

dər	امر مفرد	dər-n-or	امر جمع
-----	----------	----------	---------

د - در مثالهای زیر بن صیغه امر مفرد با امر جمع متفاوت است:

مفرد	جمع
biri (بیا)	boyor (بیایید)
be (برخیز)	bezor (برخیزید)

پایان - منوچهر مرتضوی

فروردین ۱۳۴۲